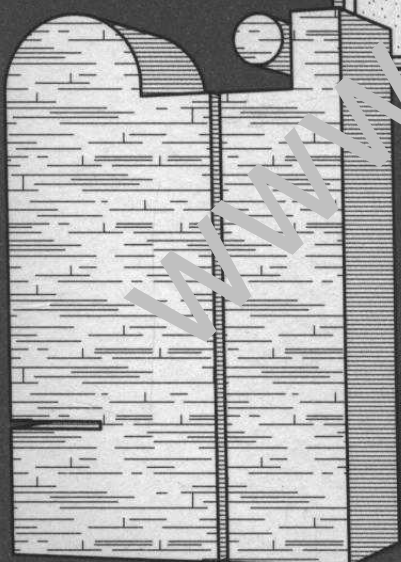




شہرازنو

شہرہ آباد کا ام روایت
از پیس قلم جی. ویل

لازنس جی. ویل | ماسٹر جی. کابریلا
نوید پور محمد رضا



WWW.WEBPAGES.COM



شهر از نو: شهرها با کدام روایت از پس فاجعه برمی آیند/ گردآوری و تألیف لارنس جی. ویل
 - توماس جی. کامپانلا؛ ترجمه‌ی نوید پورمحمدرضای.
 تهران: نشر اطراف، ۱۳۹۷.
 ۲۴۶ ص.
 روایت در شهرسازی؛ ۱.
 ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۲۴-۷-۷

فیبا*
 کتاب حاضر ترجمه‌ی هشت مقاله از کتاب «The Resilient City: How Modern
 Cities Recover From Disasters» 2005 است.
 شهر با کدام روایت از پس فاجعه برمی آیند.

سازگی
 روایت در شهرسازی
 پورمحمدرضای، نوید - ۱۳۹۷، مترجم
 ۱۳۹۷ / ش ۹ / ص ۷۰
 ۳۰۷/۳۴۱۶۰۹
 ۵۲۲۹۲۸۳

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

موضوع - ظاهری:

فروست:

کتاب:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

عنوان دیگر:

موضوع:

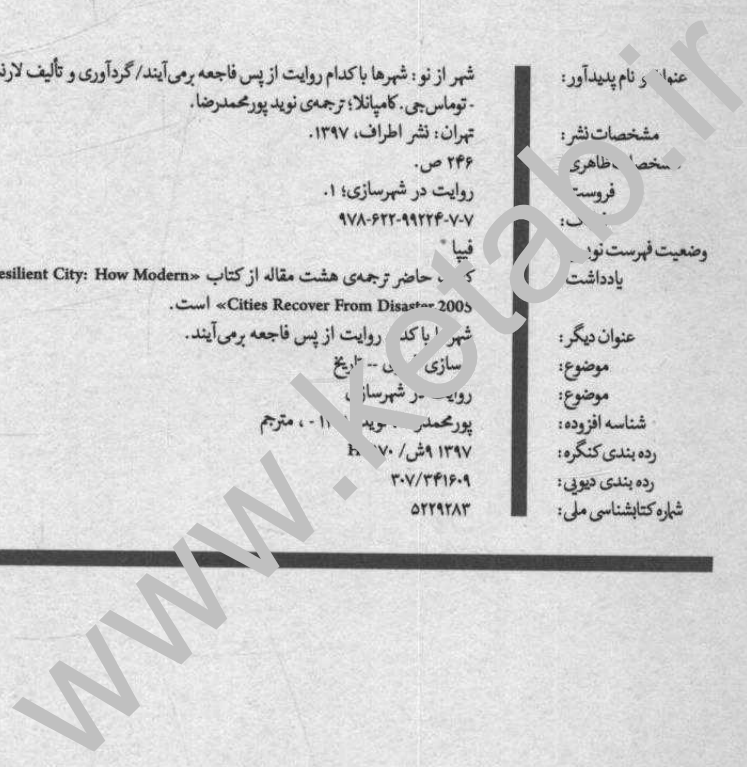
موضوع:

شناسه افزوده:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



شهرآزاد

شهرها با کدام روایت از پسر فاجعه برمی آیند

لارنس جی. ویل | توماس جی. کامپانلا

توید پورمحمد رضا



اطراف

مقابله با سن اصیل، رویا بورآذر
و راستار فنی، مین، نشر یور
نمونه خوانی: فاطمه ستودر
طراح جلد: حمید قدسی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۲۲۴-۷-۷

چاپ دوم: ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

مدیر فنی: محمد رضالری چی

چاپ: کاج

صحافی: نمونه

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هرگونه تکثیر،
انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون اجازه کتبی
ناشر ممنوع است. نقل برش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان گل‌نپی، خیابان شهید ناطق‌نوری، کوی رضاییک، پدک ۱

تلفن: ۲۲۸۵۵۲۴۷

AtraF.ir



فهرست

- ۱۷ | شهرها دوباره به پا می‌خیزند
لارنس جی. ویل، توماس جی. کامپانلا
- ۳۵ | پیشرفت: روایت فاجعه و هنر خوش بینی
شیکاگو، سان فرانسسکو، نیویورک | کوین ززاریو
- ۶۷ | فرجام شهر
روایت‌های دیروز و امروز ویرانی نیویورک | مکس پیچ
- ۹۱ | احیای دوگانه
دوباره‌سازی برلین پس از ۱۹۴۵ | برایان لُد

۵ بازسازی به مثابه‌ی تبلیغات
ورشو | جسپر گلدمن ۱۱۱

۶ التیام دیر هنگام
فهم تاب‌آوری تکه‌تکه‌ی گرینیکا | جولی بی. کریشام، دزیره سیدروف ۱۳۹

۷ پس از ناآرامی
ده سال دوباره‌سازی لس‌آنجلس پس از ترومای سال ۱۹۹۲ | ویلیام فوئتن ۱۶۳

۸ اصول بنیادین تاب‌آوری
لارنس جی. ویل، توماس جی. کامپانلا ۱۸۳

سخن مترجم

۱. احتمالاً پیش از تاب آوری، در اندامی بو و پیش از دوام، پراکندگی و از هم پاشیدگی؛ این‌ها را تصاویر سال‌های ابتدای جوانی می‌گویند. آن‌ها می‌کنند، آن زمان که هنوز هیچ‌یک از آن‌ها، چه پایداری و چه ناپایداری، چه تداوم و چه انهدام، بدل به مفهوم، به سازه‌ای نظری نشده بودند و به شکلی غریزی لمس و لمس می‌شدند. ماندگارترین تصویر از آن سال‌ها تصویر تجزیه و پراکندگی یک سرزمین، یک اقلیم است، تصویر بی‌رحمی نیروهای طبیعت: آب، باد و خاک در فیلم آب، باد، خاک و آب مادر. سرزمین فیلم نادری که بی‌نام و نشان بود و می‌توانست همین دور و برمان یا کمی دورتر شد، ویران‌شهر مجسم بود: دریاچه خشک شده بود و جمعیت پراکنده، زمین از تشنگی آب خورده بود و سطل‌ها و ظرف‌ها و کتری‌ها، همه‌ی منسوجات و مصنوعات، بی‌ساحبان‌شان، بی‌سازندگان‌شان، رها در گوشه‌ای از خاک تنها و بی‌مصرف افتاده بودند. پسرک، حیران و آشفته، در جستجوی خانواده می‌دوید و می‌دوید و چیزی جز تباهی و بقایای حیوانات تلف شده نصیبش نمی‌شد. آب، باد، خاک ناپایداری یک سرزمین، تاب نیاوردن و تسلیم شدن آن بود. باد بی‌وقفه می‌وزید و خشکی و تنهایی و درماندگی را بر صورت پسرک، بر صورت مخاطب، بر من، می‌کوبید.

در همان سال‌های جوانی، دو سه سال بعدترش شاید، بار دیگر همین احساس، همین انزوا را در پهنه‌ی تصویر، در گستره‌ی تصور تجربه کردم: این بار در مواجهه با پ مثل پلیکان. پرویز کیمیای که سال‌ها قبل تراز آب، باد، خاک ساخته شده بود و همراه با پیرمردی رنجور و فراموش شده، در قلعه‌ای ویران و بی‌رنگ می‌گذراند. زمین لرزه‌ای قلعه‌ی سابق بر این شکوهمند را ویران و از ساکنان پیشینش تهی کرده بود و اکنون تنها ساکنش آسید علی میرزا بود. او تنهایی یک پیرمرد در بی‌اعتنایی دیگرانسان‌ها و تنهایی یک سرزمین در بی‌رحمی طبیعت بود. می‌دانستم که پایان هر دو فیلم، فرجام بر یک آب، باد، خاک و پیرمرد پ مثل پلیکان ربطی به واقعیت، به این جا و اکنون نداشته. پسرک نومیدانه بر زمین خشک می‌کوبید و تصویر او در همراهی با سمفونی پنجه بته‌رت بر شری خورد به آب، به آبی که از هر سو، از همه جا می‌جوشید و بیابان دریا می‌شد. پیرمرد هم، از آن سو، رخت سفید بر تن، خرابه را به قصد باغ گلشن و دیدار با پلیکان برد می‌کرد، تن به آب می‌زد و خود را در رؤیای سپیدی و پاکی پلیکان غرق می‌کرد.

رستگاری آن دو موهبت داستان، هدیه‌ی سینما بود و هر دو فیلم با تصاویر آهسته‌ی پایانی‌شان بر این سبزه‌ی خالی، بر این خیال‌رهای بی‌بخش صحنه می‌گذاشتند. با آن‌ها می‌شد استعاره: خشکسالی و زمین‌لرزه را به سلامت پشت سر گذاشت اما برای واقعیت خشکسالی و زمین‌لرزه نمی‌شد کاری کرد، نمی‌شد تنها به رحمت آفریننده و قدرت اعجاز او در لحظاتی انزوا بست، نمی‌شد تهدیدهای بیرونی و درونی طبیعت را به دست تقدیر سپرد و دست‌نخور بود. واقعیت و مصائب هولناکش بسی سخت‌تر و پیچیده‌تر از جهان قصه و سننیل بود. برای نجات، برای گذار از ناپایداری به پایداری، از تسلیم به تاب‌آوری، به چیزهای بیشتری نیاز بود، چیزهایی از جنس باور فردی و عمل جمعی؛ این‌ها البته تضمین‌پرور نیستند و حتمیت غلبه بر مصائب و جراحات‌ها نیستند، اما تنها دارایی ساکنان یک شهر و مردمان یک سرزمین محسوب می‌شوند. در تاریخ فجایع بشری و انهدام شهرها، چه بسیار رنج‌ها و تلاش‌های جمعی آدمیان که بدون پشتیبانی عزم و اقتداری از سوی حکومت‌ها و رژیم‌های سیاسی هدر رفته‌اند و چه بسیار برنامه‌ها و بودجه‌های کلان دولتی و سازمانی که بایبی عملی و انفعال شهروندان هزر رفته‌اند. با کمک تقدیر و امدادهای غیبی شاید بتوان تاریخ یک فاجعه و پشت‌سر گذاشتن آن را به شیوه‌ای معکوس و

سال‌ها بعد از واقعه روایت کرد اما به مدد آن‌ها قطعاً نمی‌توان آن فاجعه و دوران پس از آن را زندگی کرد.

۲. چند ماهی از آتش‌سوزی و ریزش ساختمان پلاسکو تهران می‌گذشت که شهر از نو را شروع کردم. هنوز چیز چندانی از ترجمه‌ی مقاله‌های انتخابی نگذشته بود که ابتدا زمین‌لرزه‌ی مهیب کرمانشاه از راه رسید و کمی بعد زمین‌لرزه‌ی ملارد. در حالی که در بهت و اندوه از راه دور حادثه‌ی اول بودیم، دومی خودمان و خانه‌هایمان را از نزدیک‌ترین فاصله لرزاند. از همان نخستین دقیق پس از زلزله، یاد پراکندگی و آشفتگی سرزمین آب، خاک افتادم. چهره‌ی شبانه‌ی شهر را دود آکنده بود، خیابان‌ها و بزرگراه‌ها پراز ماشین‌ها و سبدها، بنزین‌ها در انتظار صفی طویل از متقاضیان فرار. به کجا؟ به هر سو. برای آن‌ها، غیر از این‌جا، غیر از خانه و خیابان و شهرمان. بیچ‌بیچ‌های شبانه گوش به گوش، خانه به خانه بزرگ‌تر و بلندتر می‌شد و شایعه‌ی شهر را پرمی‌کرد. خبری از مقاومت و عمل جمعی نبود، ترس و بی‌اعتمادی حرف اول را می‌زد. شهر با آنچه در آن ماه‌ها از تاب‌آوری می‌خواندم و می‌دیدم، فاصله‌ای بعید داشت و ساکنان و حاکمانش گویی با اصول و الزامات عملی آن‌ها بیگانه بودند. پیش از همه، این شامل خودم هم می‌شد. به عنوان دانشجوی تمام‌وقت معلم پاره‌وقت شهرسازی دستم خالی بود و شهر از نو پیش از دیگران می‌بایست به خود چیزی می‌آموخت. حالا دیگر لمس و درک غریزی کافی نبود، بلکه برای درک سازوکار و چگونگی مواجهه‌ی شهرها در برابر فاجعه می‌باید تاب‌آوری را در قامت یک مفهوم و روایت تاب‌آوری شهرها، در قالب یک تاریخ دنبال می‌کردم. شهر از نو شامل مجموعه مقالاتی است که هر یک به سهم خود به درک این قامت مفهومی و این قالب تاریخی کمک می‌کنند.

هر شرح و توضیحی درباره‌ی فاجعه و تاب‌آوری، معانی، اشکال، اصول و مضامین هریک از آن‌ها، در این مجال اندک، بیهوده و گزاف خواهد بود. مقاله‌ی ورودی و پایانی کتاب، هر دو به قلم مشترک لارنس جی. ویل و توماس جی. کامپانلا، مبسوط و دقیق این مضامین و اصول را کاویده‌اند. برای خواننده‌ی عجول، برای کسی که فقط در پی سردرآوردن از رئوس اصلی و نکات کلیدی بحث باشد، احتمالاً مطالعه‌ی همین دو مقاله راهگشا خواهد بود اما او قطعاً چیزی کلیدی را از دست خواهد داد که شاید مهم‌ترین ویژگی کتاب حاضر باشد: زندگی و تاریخ یک مفهوم، بدین معنا که چطور،

در چه شرایطی و با توسل به چه روایت‌هایی، شهرها و ساکنان‌شان موفق شده‌اند شکل‌های مختلف فاجعه را در طول تاریخ تاب بیاورند و بعد از تحمل دوره‌ای تلخ و جراحت‌بار از ناکامی‌ها و خم شدن‌ها و فرو ریختن‌ها، دوباره قد راست کنند. شش مقاله‌ی میانی این کتاب با پیش کشیدن تاریخ انضمامی و مشخص مردمان، حکومت‌ها، مدیریت‌ها و شهرها، تاب‌آوری را در گذر سال‌ها می‌کاوند و قامت مفهومی آن را در قالب و گستره‌ی تاریخ می‌خوانند.

مقاله‌ی کوین ژوزاریو با پیش کشیدن دو مثال کلاسیک آتش‌سوزی سال ۱۸۷۱ شیکاگو و زمین‌لرزه‌ی سال ۱۹۰۶ سان‌فرانسیسکو، داستان استقامت شگفت‌انگیز شهروندان آمریکایی در مواجهه با انواع و اقسام آتش‌سوزی‌ها و سیل‌ها و زمین‌لرزه‌ها و جنگ‌ها را روایت می‌کند. او با طرح مفهوم «تخیل روایی»، نشان می‌دهد که فاجعه برای مردم این کشور، نه نشانه‌ی ناامیدی، که همواره محرکی برای پیشرفت در طول تاریخ بوده است. به‌طور کلی، فاجعه برای آمریکایی‌ها نه یک رویداد تصادفی یا اتفاقی گذرا، که داستانی سلاطین و پادشاهان و عبرت‌آموز است؛ داستانی که به‌رغم همه‌ی شاخ‌وبرگ‌ها و تفاوت‌هایش از یک حادثه‌ای به مکان و حادثه‌ای دیگر، واجد یک اصل ذاتی مشترک است: پایایی حوش باورپذیر؛ همان عاملی که می‌تواند بازماندگان را آرام و شاهدان فاجعه را به کار و ساخت دوباره دعوت کند. مقاله‌ی ژوزاریو، بیش از هر چیز، بر این تأکید دارد که چطور فجایع نیازمند روایت‌ها هستند تا معنا دار شوند و چطور روایت‌ها نیز متقابلاً متکی به فجایع هستند.

مقاله‌ی مکس پیچ با نشان دادن حملات یازده ساله در دل تاریخ متلاطم و سرشار از ویرانی و بازسازی نیویورک و با در هم آمیختن تاریخیت و فانتزی این شهر، نشان می‌دهد که چطور نیویورک هر روز و هر شب در واقعات و تصاویر، در زندگی روزمره و در قلمروی بازنمایی، بی‌وقفه تخریب و از نو زاده می‌شود. او غرق در میان فیلم‌ها و رمان‌های علمی-تخیلی، عکس‌ها، نقاشی‌ها، هنرهای گرافیکی، آگهی‌های تلویزیونی، کارت‌پستال‌ها، کارتون‌ها و نرم‌افزارهای کامپیوتری، تاریخ ویرانی و تولد دوباره‌ی نیویورک را دهه به دهه و مورد به مورد روایت می‌کند. مرز میان فانتزی‌ها و کابوس‌ها با وقایع هولناک به مویی بند است و دور نیست روز و لحظه‌ای که نمادهای درخشان یک شهر و یادمان‌های تاریخی‌اش به مکان‌هایی شعله‌ور و هراس‌انگیز بدل شوند.

شهر دوباره، بازسازی دوباره و تاب‌آوری دوباره موضوع مقاله‌ی برایان لُد است. او با پژوهش گسترده‌اش مخاطب را به دوران جنگ سرد و شهری می‌برد که جدل‌های ایدئولوژیک به دو بخش جداافتاده تفکیک‌شده بودند. کدام بخش وارث و حافظ فرهنگ ملی آلمان بود: شرق یا غرب؟ هر دو در پی احیای میراث ملی‌ای بودند که به ظاهر به دست نازی‌ها تحریف شده بود اما با دورویه، دو استراتژی و دو ایدئولوژی کاملاً متفاوت. مقاله‌ی لُد تاب‌آوری و بازسازی را در کارزار نمادین جنگ سرد احضار می‌کند و تأثیر نیروهای کلان سیاسی بر معماری و برنامه‌ریزی شهری را نشان می‌دهد. تاریخ رفته‌رفته تاب‌آوری در برلین بیش از هر چیز وابسته به برپایی دیواری است که در عمرت بیابانی ساله‌اش امکان هرگونه اتحاد یا وحدت را از میان برده بود.

مقاله‌ی «سپر لُد» داستان بازسازی ورشو توسط صاحبان تازه‌اش، حاکمان رژیم کمونیست، بازگردد. ویرانی ورشو بهترین فرصت برای ساخت یک پایتخت سوسیالیستی و بازتعمیر هریت لهستانی در پیوند و همراهی با اصول سوسیالیستی بود. از این لحاظ، دوره‌ی موبه‌موی به «رنالیسم سوسیالیستی» دوره‌ای کم‌نظیر در تاریخ تاب‌آوری و بازیابی شهرها در قرن بیستم است: این‌که چطور ایدئولوژی یک حزب می‌تواند تمام برنامه‌ی دوباره‌سازی یک شهر را تحت‌الشعاع قرار دهد. سیاست کلی حزب کمونیست در مواجهه با هسلی تاریخی آسیب‌دیده‌ی شهر نه مرمت موبه‌موی آن، که بیشتر گونه‌ای بازسازی دقت‌وریش شده مطابق با آموزه‌های رنالیسم سوسیالیستی بود. اصطلاح بازسازی گرسنه که ده‌ها به کرات در مکان‌ها و موقعیت‌های دیگری کار گرفته شد، محصول همین دوران است. مقاله‌ی گلدمن تاب‌آوری مردمان لهستان را در برابر ایدئولوژی بیگانه‌ی حزب حاکم قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که در صورت عدم همسویی این دو، چه بسیار سرمایه و انرژی برنامه‌هدر خواهد رفت.

اما تعارض عمیق‌تر میان خواست بازماندگان و شاهدان یک فاجعه با برنامه‌های بازسازی قدرت حاکم را باید در نمونه‌ی تراژیک گرنیکا جستجو کرد، آن‌جا که همان مردی که دستور به ویرانی شهر داده بود، بلافاصله برنامه‌ی بازسازی آن را نیز آغاز کرد، به خیال این‌که با دوباره‌سازی کالبدی و سریع شهری می‌تواند خاطره‌ی فرهنگ باسکی را برای همیشه در زیر آوارهای شهر قدیمی دفن کند. با فرمان ژنرال فرانکو، بازیابی گرنیکا برای دهه‌ها در جریان بود اما هیچ امکانی برای سوگواری ساکنان شهر وجود نداشت.

جولی بی. کرشپام و دزیره سیدروف در پژوهش تحسین برانگیزشان همین تاب آوری تکه تکه‌ی گرنیکا را به بحث گذاشته‌اند. وقتی ساختمان‌ها از نو برپا می‌شوند اما الیامی در کار نیست و تروما، عمیق و دامنه‌دار، نسل به نسل منتقل می‌شود و پیش می‌آید. مقاله با پیش کشیدن دو مفهوم تاب آوری عاطفی و تاب آوری فرهنگی بر اهمیت خاطره و یادسپاری از یک سو و نمادها و سنت‌ها از دیگر سو تأکید می‌کند و معنای راستین بازیابی را در تحقق همه جانبه‌ی سویه‌های تاب آوری (کالبدی، عاطفی و فرهنگی) می‌جوید.

و برانجام ویلیام فولتن با تغییر مقیاس از شهر به سمت اجتماعات محلی و تأکید روی شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی بر قسمت تازه‌ای از تاب آوری نور می‌تاباند. در این جا درباره‌ی رخطیان در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند، خشونت اغلب درون محله‌هاست. محدوده اتفاق می‌افتد و بازیابی نه تنها مستلزم بهبود خرابی‌های کالبدی، که نرسد، از رشد رفع بی‌اعتمادی‌های عمیق و ریشه‌دار است. نمونه‌ی پژوهشی فولتن لس آنجلس، محدوده‌ی ساوث سنترال و ناآرامی‌های مدنی سال ۱۹۹۲ است. به باور او، تاب آوری لس آنجلس از اساس متفاوت با تاب آوری شهرهای قدیمی است؛ لس آنجلس شهرانرژی‌سی پایان پذیر و جریان‌های بی‌وقفه‌ی جمعیتی و مالی است؛ شهری که به رغم همه‌ی تغییرات بحولات همچنان پابرجاست، بی آن‌که خود بخواهد یا اصراری بر آن داشته باشد.

تمامی مقالات شهر از نو برگرفته از کتاب شهرهای پطور شهرهای مدرن از فاجعه جان سالم به در می‌برند ویراسته‌ی لارنس جم. وریا و توماس جی. کامپانلا (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۵) است. آشنایی با کتاب، نظاف همسرم، الهام خشه چی، اتفاق افتاد و همومشوق اصلی ترجمه‌ی کار بود. از او ممنونم. باید از سرکار خانم دکتر رؤیا پوراذر تشکری ویژه کنم. با دقت و وسواسی کمیاب متن را خواند، ویرایش کرد و نکاتی ارزشمند را در ترجمه‌ی کار یادآور شد.

نوید پورمحمدرضا

زمستان ۱۳۹۷